

# علم أصول الفقه

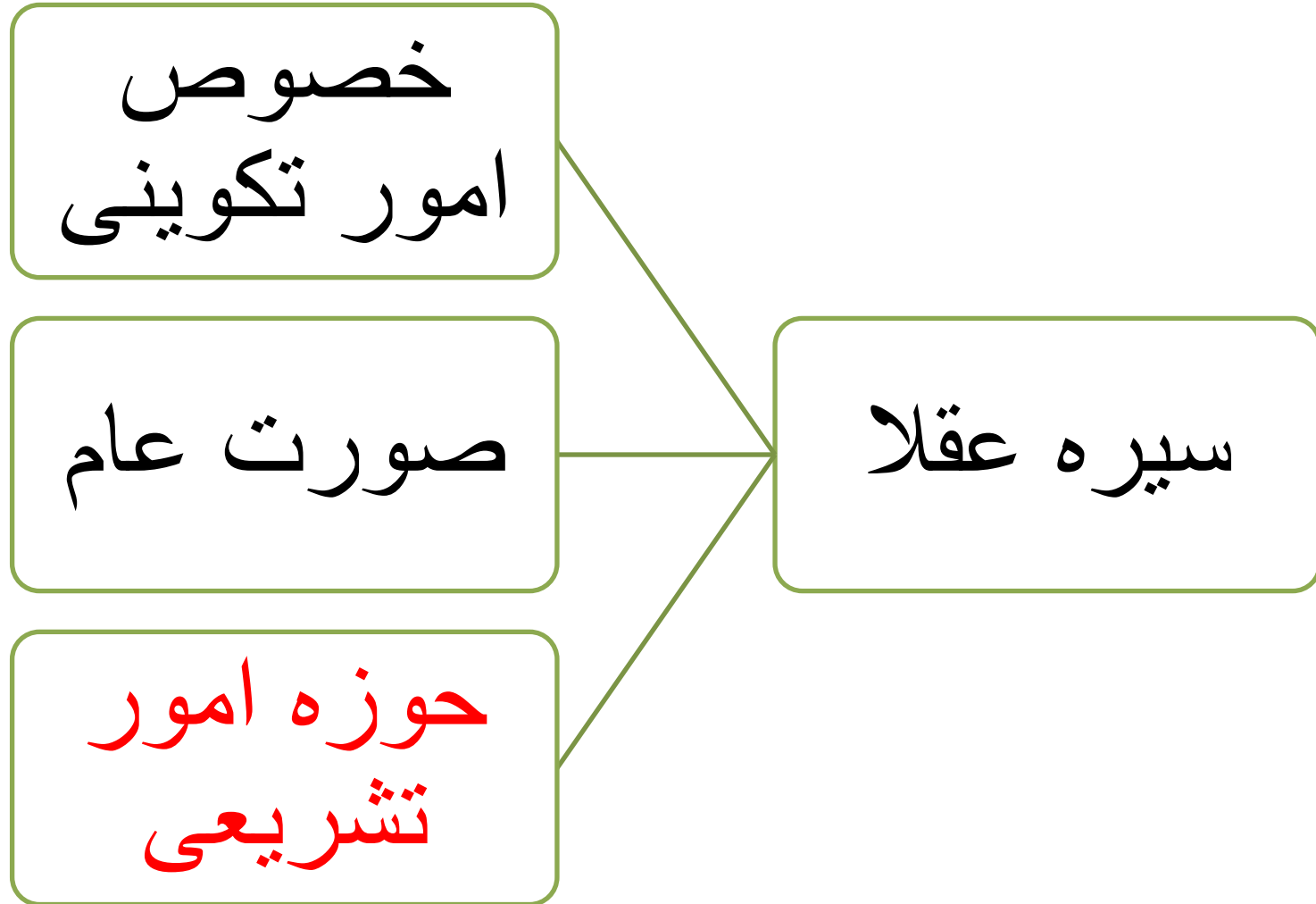
١٧-٩-٩٣ شهرت / ظهور ٢٧

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

• وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيْئُكُم زَادَتْهُ هَذِهِ  
إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ  
(١٢٤)

• وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى  
رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (١٢٥)

# سیره عقلا در باب ظواهر



# سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- شکل سوم
- سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی (روابط بین عبید و موالی) در نظر بگیریم و بگوییم عقلا در روابط بین عبید و موالی به ظواهر کلام اخذ می‌کنند و چون در تشریحات حجیت (تنجیز و تعزیر) معنا دارد، بنابراین عقلا در این حوزه ظهور را حجیت می‌دانند. چون شارع این حجیت عقلایی را انکار نکرده است، یک حجیت شرعی هم است.

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- شهید صدر ره تذکر می دهند که اولاً **دایرة گفتارهای تشریحی در مقایسه با دایرة گفتارهای تکوینی خیلی محدود است**؛ یعنی آن تعداد گزاره‌هایی که در طی شبانه روز می شنویم و اخذ به ظاهر آنها می کنیم و مربوط به حوزه تکوینیات به معنای وسیع کلمه می شود در مقایسه با آن مقداری که به حوزه تشریحیات مربوط می شود، بسیار گسترده تر است.

## سيرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریعی

- همچنین می‌فرمایند **حجیت یک امر تشریعی است و هر مولایی حق دارد که خودش حجت را تعیین کند**؛ یعنی این طور نیست که واجب باشد یا اضطرار تکوینی داشته باشد که یک چیزی حجت باشد؛ البته یقین حجیت ذاتی دارد و قابل جعل و نفی نیست اما الآن ما بحث ما در باره یقین نیست.

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- حجت‌های تشریحی همه به دست مولا است و ممکن است مولایی بگوید ظواهر کلام من حجت نیست و مولای دیگر بگوید ظواهر کلام من حجت هست یا حجیت ظواهر کلامش را مقید به شرایطی کند؛ مثلاً بگوید اگر یک جمله‌ای را از ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر گفتم، حجت است و از ۴ تا ۸ صبح فردا حجت نیست! حال این سؤال مطرح است که وقتی می‌گوییم عقلا در روابط بین عبید و موالی ظواهر را حجت می‌دانند، مگر عقلا مولویتی بر این مولا دارند که دایرة حجت رای برای این عبد و مولی تعیین می‌کنند.

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- مثلاً رئیس یک اداره را فرض کنید. عقلا می‌گویند ظاهر او امر و نواهی این رئیس حجت است؛ در حالی که این چیزی است که باید خود این رئیس بپذیرد و ممکن است وی این را نپذیرد و بگوید نه، در اوامر و نواهی من ظواهر حجت نیست و مادامی که شما به مفاد امر یا نهی من یقین پیدا نکردید، نمی‌توانید بعمل کنید. یا لا اقل باید ظاهر کلام من مطابق با احتیاط باشد. پس اینکه می‌گوییم عقلا در روابط بین عبید و موالی ظاهر را حجت می‌دانند، به چه معنا است؟ آیا یعنی عقلا ولایتی بر این رئیس دارند که می‌توانند به او بگویند تو باید ظاهر را حجت کنی؟



## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- شهید صدر ره می فرماید نه مقصود این نیست. بلکه مقصود آن است که عقلا یک قضاوت عقلایی دارند و می گویند **اگر این رئیس ظاهر کلامش را حجت کند، کار عقلائی و شایسته‌ای کرده‌است**، نه اینکه بتوانند جلوی او را بگیرند
- در حقیقت **همین قضاوت کلی عقلایی مورد امضاء شارع است**. به عبارت دیگر چون شارع ردعش نکرده‌است، معلوم می‌شود شارع نیز بر همین مشی عقلایی مداومت داشته و آن را پذیرفته‌است.

## سيرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- شهید صدر در ادامه این بحث را مطرح می‌کنند که چگونه می‌توانیم امضاء شارع را اثبات احراز کنیم.

عدم ردع

ظهور حال

راه های احراز  
امضا شارع

## سيرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- در اینجا دو راه ذکر می کنند:
- از طریق عدم ردع که بگوییم اگر مثلاً شارع مخالف باشد و ردع نکند نقض غرض پیش می آید

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- یا از طریق ظهور حال که بگوییم شارع در یک چنین فضایی زندگی می‌کرده و ردع نکرده است. خود سکوت شارع در چنین فضایی در رضایت وی ظهور دارد؛

## سیرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریعی

- مثل وقتی که به یک دختر می‌گویند آیا می‌خواهی با فلانی ازدواج کنی و او در آن فضا هیچ چیز نمی‌گوید. از همین سکوتش معلوم می‌شود که راضی است.

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- شهید صدر ره می‌فرماید این طریق دوم فایده ندارد؛ چون متوقف بر بحث ظهور است در حالی که ما الآن در اصل حجیت ظهور بحث می‌کنیم.
- ما که نمی‌توانیم حجیت ظهور را با یک ظهور دیگر ثابت کنیم. مگر اینکه اول ابتدا دلیلی بر حجیت این ظهور حال بیاوریم و بعد از طریق این ظهور حال، حجیت ظهور را به نحو مطلق ثابت کنیم.
- ظهور حال به لحاظ درجه ظهور و حکایت‌گری از مفاد پایین‌تر ظهور کلام است.

## سیرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- یک اشکال دیگر هم مطرح می شود که شارع حجیت ظهور را با همان ادله ای که در بحث خبر واحد گذشت، رد کرده است.

• یونس ، الجزء ۱۱ ، الصفحة: ۲۱۳ ، الآية: ۳۶

• وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
بِمَا يَفْعَلُونَ (۳۶)



# سيرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

• النجم ، الجزء ٢٧ ، الصفحة: ٥٢٧ ، الآية: ٢٨

• وَ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً (٢٨)

•  
•

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- ایشان می‌فرمایند ما امضاء شارع را از طریق عدم ردع کشف می‌کنیم. یک طریق همان راه عمومی است که قبلاً گفتیم اگر شارع یک سیره عقلائی را قبول ندارد و در عین حال هیچ چیز نمی‌گوید، نقض غرض است؛ زیرا خودش می‌داند که چون مخاطبینش بخشی از عقلا هستند و اگر نظرش را بیان نکند، عقلا به همین روش عمل و در نتیجه بر خلاف نظر او عمل خواهند کرد.

## سیرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریعی

- پس اگر او غرضش جلوگیری عقلا از انجام چنین رفتاری است، باید این را بیان کند که این رفتار را لااقل در حوزه امور شرعی (روابط شارع با خودتان) ادامه ندهید. در مطلق سیره‌هایی که عقلایی باشند و از ناحیه شارع ردعی نسبت به آنها نرسیده باشد، همین استدلال را تکرار می‌کنیم.

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- می‌گوییم اگر سیره‌های عقلایی در میزان گستردگی و ارتباط عقلا با آنها متفاوت‌اند. اخذ به ظواهر مطلبی است که هر انسانی در بسیاری از اوقات زندگی خودش با آن مواجه است. هر انسانی در بخش وسیعی از زندگی خودش یا در حال سخن گفتن است و دیگران به ظاهر سخن او اخذ می‌کنند یا سخنی از دیگری می‌شنود و به ظاهر سخنی وی اخذ می‌کند. بخلاف مثلاً حیا زت که منشأ از دیدگاه عقلا مالکیت است.

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- ممکن است یک عاقلی هیچ وقت در طول زندگیش اقدام به حیازت نکرده باشد؛ مثلاً نه صید رفته باشد؛ نه در بیابان هیزم جمع کرده باشد؛ اما اینکه عاقلی که در زندگیش هیچ وقت به ظاهر سخنی اخذ نکرده باشد، تقریباً وجود ندارد. بنابراین ممکن است گستردگی و شیوع یک سیره عقلایی با سیر دیگر متفاوت باشد، در عین حال که هر دو عقلایی اند و اختصاص به گروه خاصی از انسان‌ها ندارند و مربوط به دوره خاصی از تاریخ انسان نیستند.

## سیره عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- چون سیره اخذ به ظواهر، بسیار گسترده است، شهید صدر ره می‌فرمایند در اینجا عدم ردع شارع یک ویژگی پیدا می‌کند که شاید در بعضی سیره‌های عقلایی دیگر این ویژگی پیدا نشود.
- و آن ویژگی این است که در چنین فضایی که برای عقلا یک فطرت ثانویه نسبت به اخذ به ظواهر ایجاد می‌شود، وقتی شارع سکوت می‌کند و مخالفتی را با این روش عقلایی ابراز نمی‌کند، همین سکوت ظهور پیدا می‌کند در اینکه چنین روشی را قبول دارد،

## سیرة عقلا را در خصوص گفتارهای تشریحی

- مثل آنجا که دخترهای قدیم که به دلیل فضای فرهنگی آن زمان خجالت می کشیدند نظرشان را نسبت به مسأله ازدواج خود اظهار کنند ، وقتی ازیشان می پرسیدند که آیا راضی هستی با این مرد ازدواج کنی یا نه؟ سکوت می کردند. سکوت آنها در آن ظرف خاص نسبت به این شخص خاص معنادار می شود که معنایش اینجا رضایت است.